



دانشگاه پیام نور
مرکز تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان شناسی و زبانهای خارجی

عنوان پایان نامه : بررسی و مقایسه جایگاه و کاربرد

زبانهای فارسی و ترکی در فردیس

نگارش : خاطره سلیمی

استاد راهنما : دکتر مهدی سمایی

استاد مشاور : دکتر بهمن زندی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته آموزش زبان فارسی

تیر ماه سال ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور

مرکز تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان شناسی و زبانهای خارجی

عنوان پایان نامه : بررسی و مقایسه جایگاه و کاربرد

زبانهای فارسی و ترکی در فردیس

نگارش : خاطره سلیمی

استاد راهنما : دکتر مهدی سمایی

استاد مشاور : دکتر بهمن زندی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته آموزش زبان فارسی

تیر ماه سال ۱۳۸۹

دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

تصویب پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان بررسی و مقایسه جایگاه و کاربرد زبانهای فارسی و ترکی در فردیس کرج

که توسط خاطره سلیمی در مرکز تهران تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می‌باشد.

تاریخ دفاع : نمره : درجه ارزشیابی :

اعضای هیئت داوران :

مرتبه علمی

هیات داوران

نام و نام خانوادگی

امضاء

- ۱- استاد راهنما
- ۲- استاد مشاور
- ۳- استاد داور
- ۴- نماینده گروه آموزشی
- ۵- نماینده تحصیلات تکمیلی
- ۶- نماینده مدیریت آموزشی و تحصیلات تکمیلی

تقدیم به همسر گرامی ام محمد خداویردی پور که بی مساعدت و همراهی او پیمودن این مسیر برایم امکان پذیر نبود و تقدیم به فرزند دلبندم فراز که در تمامی مدت تحصیل با صبر و تحمل کودکانه اش یاری ام داد .

با سپاس و تشکر فراوان از اساتید گرامی‌ام که در پیمودن مسیر علم و آگاهی، روشنایی راه و راهبر من بوده‌اند و با تشکر و امتنان ویژه از اساتید گرامی آقایان دکتر زندی و دکتر سمایی که زحمت مشاوره و راهنمایی اینجانب را جهت تهیه و تدوین این پایان‌نامه متقبل شدند .

چکیده :

در این مقاله تلاش شده است تا نقش اجتماعی زبانهای فارسی و ترکی در منطقه فردیس کرج مشخص شود. با توجه به جمعیت ترک زبان فردیس که حدود صد و سی هزار نفر می باشد در این تحقیق ۱۶۱ آزمودنی از مناطق مختلف منطقه فردیس به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. آزمودنی‌ها بر اساس چهار گروه سنی، سطح تحصیلات، جنس (مرد و زن) و زبان مادری همسر انتخاب شده‌اند. در این تحقیق پرسشنامه الگوی پژوهشی پاراشر (۱۹۸۰) مورد استفاده قرار گرفته است. از آزمودنیها خواسته شده که کاربرد دو گونه زبانی فارسی و ترکی را در شش حوزه اجتماعی خانواده، دوستی، همسایگی، داد و ستد، آموزش و اداری براساس یک میزان چهار گزینه‌ای (همیشه)، (اغلب)، (بعضی وقتها) و (هیچ وقت) مشخص کنند. پرسشنامه شامل ۳۶ سوال است که بر اساس درجه رسمیت حوزه‌ها به ترتیب از غیر رسمی به رسمی مرتب شده‌اند. پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها، اطلاعات توسط رایانه پردازش شدند. روشهای آماری آزمون T و آنالیز واریانس جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق به کار گرفته شده است. واکاوی یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلاف در استفاده از دو زبان فارسی و ترکی توسط گروههای مختلف سنی، تحصیلی، جنسی و افراد متأهل با همسر ترک و غیر ترک از نظر آماری در بعضی موارد معنی‌دار و در تعدادی دیگر معنی‌دار نمی باشد. از نقطه نظر گروههای سنی، افراد جوان، از نقطه نظر جنسیت، زنان (مخصوصاً دختران جوان)، از نقطه

نظر گروه‌های تحصیلی، افراد تحصیل کرده (بغیر از حوزه خانواده) بیشتر از دیگر گروه‌ها از زبان فارسی استفاده میکنند. در داخل خانواده بیشتر از زبان ترکی استفاده می‌شود. در بین گروه‌های سنی، ۱۳ تا ۲۱ ساله‌ها در حوزه خانواده بیشتر از زبان فارسی استفاده می‌کنند. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که در منطقه فردیس کرج دوزبانگی فارسی و ترکی کامل نیست. زیرا در اکثر حوزه‌های رسمی از زبان فارسی و در بعضی حوزه‌های غیر رسمی مانند خانواده، دوستی و همسایگی از زبان ترکی هم استفاده می‌شود.

کلید واژه‌ها: زبان ترکی، زبان فارسی، منطقه فردیس، جامعه‌شناسی زبان، دوزبانگونی و دوزبانگی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات تحقیق	
۱-۰ مقدمه	۱
۱-۱ مکان تحقیق	۲
۱-۲ اهداف تحقیق	۳
۱-۳ فرضیه‌ها	۳
۱-۴ اهمیت تحقیق	۴
۱-۵ گستره تحقیق	۴
۱-۶ پیکره تحقیق	۴

فصل دوم: چارچوب نظری و مروری بر تحقیقات پیشین

۲-۰ مقدمه	۶
-----------------	---

- ۲-۱ زبان، گونه ۶
- ۲-۲ دوزبانگونی ۱۰
- ۲-۳ حوزه و تجزیه و تحلیل حوزه‌ای ۱۲
- ۲-۴ نتیجه‌گیری ۱۸

فصل سوم : روش تحقیق

- ۳-۰ مقدمه ۲۰
- ۳-۱ آزمودنیها ۲۰
- ۳-۲ ابزارها ۲۳
- ۳-۳ جمع آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها ۲۳
- ۳-۳-۱ نمونه‌گیری تصادفی و اجرا ۲۳
- ۳-۳-۲ تجزیه و تحلیل داده‌ها ۲۴
- ۳-۳-۲-۱ پردازش داده‌ها ۲۴
- ۳-۳-۲-۲ کد‌گذاری داده‌ها ۲۴
- روشهای آماری ۲۵

فصل چهار : یافته‌های تحقیق

- ۴-۰ مقدمه ۲۶
- نمودارها ۲۶

فصل پنجم : بحث و نتیجه‌گیری

- ۵-۰ مقدمه ۵۸

- ۵-۱ نتیجه ۵۹
- ۵-۲ کاربردهای نظری و عملی ۶۰
- ۵-۳ چشم اندازهایی برای تحقیق ۶۲

پیوستها :

منابع فارسی

منابع خارجی

پرسشنامه

صفحه	فهرست جداول	عنوان
۲۱.....	جدول ۳-۱	جدول ۳-۱
۲۱.....	جدول ۳-۲	جدول ۳-۲
۲۲.....	جدول ۳-۳	جدول ۳-۳
۲۲.....	جدول ۳-۴	جدول ۳-۴
۲۲.....	جدول ۳-۵	جدول ۳-۵

عنوان

فهرست نمودارها

۲۶.....	نمودار ۴-۱	نمودار ۴-۱
۲۷.....	نمودار ۴-۲	نمودار ۴-۲
۲۸.....	نمودار ۴-۳	نمودار ۴-۳
۲۹.....	نمودار ۴-۴	نمودار ۴-۴
۳۰.....	نمودار ۴-۵	نمودار ۴-۵
۳۱.....	نمودار ۴-۶	نمودار ۴-۶
۳۲.....	نمودار ۴-۷	نمودار ۴-۷

۳۳.....	نمودار ۴-۸
۳۴.....	نمودار ۴-۹
۳۵.....	نمودار ۴-۱۰
۳۶.....	نمودار ۴-۱۱
۳۷.....	نمودار ۴-۱۲
۳۸.....	نمودار ۴-۱۳
۳۹.....	نمودار ۴-۱۴
۴۰.....	نمودار ۴-۱۵
۴۱.....	نمودار ۳-۱۶
۴۲.....	نمودار ۴-۱۷
۴۳.....	نمودار ۴-۱۸
۴۴.....	نمودار ۴-۱۹
۴۵.....	نمودار ۴-۲۰
۴۶.....	نمودار ۴-۲۱
۴۷.....	نمودار ۴-۲۲
۴۸.....	نمودار ۴-۲۳
۴۹.....	نمودار ۴-۲۴
۵۰.....	نمودار ۴-۲۵
۵۱.....	نمودار ۴-۲۶
۵۲.....	نمودار ۴-۲۷
۵۳.....	نمودار ۴-۲۸

۵۴.....	نمودار ۴-۲۹
۵۵.....	نمودار ۴-۳۰
۵۶.....	نمودار ۴-۳۱
۵.....	نمودار ۴-۳۲

فصل اول : کلیات تحقیق

مقدمه

بشر همواره برای برقراری ارتباط در جوامع خود از وسایل و ابزارهای مختلفی سود می‌برد. جسته که در این میان زبان^۱، مهمترین ابزار و وسیله او بشمار می‌آید. زبان ابزاری طبیعی برای نظم کردن اندیشه و نیز ارتباط میان افراد انسان است. انسان بوسیله زبان، اندیشه و شناخت خود را سازمان می‌دهد و نیز از راه آن، اندیشه خود را به دیگران منتقل می‌سازد. زبان یک نهاد اجتماعی است بدین معنی که افراد یک اجتماع به منظور آگاهی از مقاصد و نیت یکدیگر و برای برقراری ارتباط با همدیگر عناصر آن را برقرار کرده‌اند. زبان نه تنها مهمترین وسیله ارتباطی بشر بلکه پایه اغلب نهادهای دیگر اجتماعی نیز می‌باشد و به دلیل سرشت اجتماعی خود هماهنگ با اختلاف اجتماعات، مختلف می‌باشد. به سخن دیگر با اینکه این نهاد در همه اجتماعات بشری وجود دارد و وظیفه و نقش آن در همه جا یکسان است، شکل آن الزاماً در همه جوامع یکسان نیست و نحوه عمل آن در هر اجتماع دیگر آشکارا تفاوت دارد. به طوری که هر شکلی از زبان فقط در میان افراد جمعیتی معین می‌تواند وظیفه برقراری ارتباط و تفاهم را بجای آورد.

مطالعه و توصیف زبان که وظیفه اصلی زبان‌شناسی^۳ است، باید در بافت اجتماعی آن انجام گیرد و به واسطه خصلت اجتماعی زبان نمی‌توان بدون توجه به متغیرهای اجتماعی گوناگون به بررسی کامل آن پرداخت. در واقع، میان ساخت زبان و ساخت جامعه و روندها و متغیرهای زبانی و اجتماعی، رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ وجود دارد و مطالعه زبان جدا از بافت اجتماعی آن، نمی‌تواند توصیفی همه جانبه و واقع‌گرایانه از آن بدست دهد. موضوع اصلی علم جامعه‌شناسی زبان^۳ نیز بررسی زبان در جامعه می‌باشد. جامعه‌شناسی زبان نام شاخه علمی تازه‌ای است که از محل تلاقی زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی جوانه زده است. وقتی زبان در ارتباط با گروه یا جامعه مورد مطالعه قرار

۱- Language

۲- Institution

۳- Linguistics

گیرد، یعنی بعنوان ابزار ارتباط بین افراد اجتماع مطرح باشد بررسی آن در حوزه شاخه علمی دیگری قرار می‌گیرد که به آن جامعه شناسی زبان گفته می‌شود. اغلب پیشرفتهای جامعه شناسی زبان از اواخر دهه ۱۹۶۰ صورت گرفته است. مطالعات افرادی مانند ویلیام لباو^۱ استاد دانشگاه پنسیلوانیا را باید از نخستین گامهای اساسی در این رشته دانست زیرا در همین بررسی‌هاست که با بهره‌گیری از روشهای جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی، برای نخستین بار همبستگی متغیرهای زبانی و اجتماعی به شیوه‌ای علمی و منظم نشان داده می‌شود. جامعه‌شناسان زبان به مطالعه و بررسی رابطه بین زبان و جامعه می‌پردازند. جامعه‌شناسان زبان همچنین به انواع مختلف گوناگونی‌های زبانی^۱ علاقه‌مند هستند، گوناگونی‌هایی که برای بیان و بازتاب عوامل اجتماعی بکار می‌روند.

به سادگی می‌توان مشاهده کرد که سخنگویان فارسی زبان همواره در همه نواحی جغرافیایی و نیز در موقعیت‌های گوناگون بطور یکسان صحبت نمی‌کنند، بلکه بر حسب ناحیه جغرافیایی و نیز موقعیت اجتماعی خاص، گونه‌های زبانی جغرافیایی و یا صورتهای زبانی خاص یعنی واژه‌ها، ساختها و عبارت‌های متفاوتی را بکار می‌برند که تا حدودی معنی واحدی را می‌رسانند. به بیان دیگر، گونه‌های زبانی‌ای که در خانه، مدرسه، دانشگاه، محیط کار، بازار، محیط‌های اداری، موقعیت‌های رسمی و جز اینها بکار می‌بریم، تا حدودی با یکدیگر متفاوتند، یعنی، سخنگویان زبان به هنگام ارتباط زبانی با افراد متفاوت، از گونه‌های زبانی متفاوت استفاده می‌کنند.

۱-۱ مکان تحقیق

منطقه فردیس کرج چون مهاجرپذیر می‌باشد و از همه جای ایران و از کلیه اقوام به این منطقه مهاجرت کرده‌اند و هنوز هم این مهاجرت‌ها ادامه دارد، طبیعتاً زبانهای فارسی، ترکی، لری، گیلکی، عربی و حتی بلوچی در این منطقه صحبت می‌شود. در واقع می‌توان گفت که در این منطقه چند زبانگی رایج است. این تحقیق به بررسی دو زبانگی ترکی و فارسی (فارسی به عنوان زبان رسمی) و بررسی جایگاه اجتماعی این دو زبان در این منطقه می‌پردازد.

۱-William Labov

۲- Linguistic variations

جمعیت منطقه فردیس کرج به علت مهاجر پذیر بودن آن به سرعت در حال افزایش و تغییر می‌باشد به طوری که در سرشماری سال ۸۵ حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر اعلام شده است. البته از آنجایی که همه جمعیت فردیس ترک زبان نمی‌باشند و ساختار جمعیتی آن متشکل از همه اقوام ایرانی است با مراجعه به اداره آمار شهرستان کرج آمار تقریبی جمعیت ترک زبان در فردیس حدود ۱۳۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود.

۱-۲ اهداف تحقیق

هدف از انجام این تحقیق این است که بفهمیم وضعیت موجود در مورد استفاده از دو زبان فارسی و ترکی در مراودات روزمره منطقه فردیس به چه صورت خواهد بود. در این تحقیق سعی شده است از یک سو رابطه بین کاربرد زبانهای فارسی و ترکی را در حوزه‌های گوناگونی مانند خانواده، مدرسه، دوستی، همسایگی، داد و ستد، موقعیت‌های رسمی و غیر رسمی و مراکز اداری دریابیم و از سوی دیگر تاثیر عوامل سن، جنس، سطح تحصیلات، شغل و زبان مادری همسر را بر کاربرد این دو زبان در این منطقه دریابیم. فرضیه صفر در این تحقیق به شکل زیر مطرح می‌شود. عواملی از قبیل حوزه-های مختلف اجتماعی، سن، جنس، سطح تحصیلات، زبان مادری همسر و شغل هیچ تاثیری بر انتخاب زبان ندارد.

۱-۳ فرضیه‌ها

- ۱- در منطقه فردیس در موقعیت‌های رسمی و در برخورد با فارسی زبانان از زبان فارسی و در موقعیت‌های غیر رسمی و در برخورد با ترک زبانان از زبان ترکی استفاده می‌شود.
- ۲- از نقطه نظر گروه‌های سنی، افراد جوان، از نقطه نظر گروه‌های جنسی، دختران و از نقطه نظر گروه‌های تحصیلی، افراد تحصیل کرده بیشتر از دیگر گروه‌ها از زبان فارسی استفاده می‌کنند.
- ۳- بین عوامل غیر زبانی (سن، جنس، میزان تحصیلات، شغل و زبان مادری همسر) و کاربرد زبان فارسی و ترکی در حوزه‌های مختلف (خانواده، دوستی، همسایگی، داد و ستد، آموزشی و اداری) در فردیس رابطه وجود دارد.

۴-۱ اهمیت تحقیق

زبان ترکی در همجواری زبان فارسی روز به روز موقعیت خود را از دست می‌دهد مخصوصاً در میان افراد تحصیل کرده که در این زمینه تا کنون هیچ اقدامی صورت نگرفته است. شناخت بهتر زبان ترکی در منطقه فردیس می‌تواند برای علاقه‌مندان به این زبان در کشور بسیار سودمند باشد. بطور کلی تحقیق در مورد دوزبانگونی و دوزبانگی در ایران کم صورت گرفته است. علاقه‌مندان می‌توانند در زمینه‌های زیر اطلاعاتی را در باره زبان ترکی در منطقه فردیس کسب کنند: آشنا شدن با وضعیت زبانی منطقه فردیس، آشنا شدن با کاربرد زبان توسط گروه‌های مختلف، پی بردن به رابطه بین حوزه‌های اجتماعی و انتخاب زبان توسط افراد. همچنین این تحقیق می‌تواند دارای کاربردهای آموزشی باشد به این صورت که در منطقه فردیس زبان مسلط در هر حوزه چه زبانی است و ضمناً علاقه‌مندان می‌توانند در مورد فرهنگ جمعیت، وسعت و موقعیت این منطقه اطلاعاتی کسب کنند.

۵-۱ گستره تحقیق

در جوامع انسانی عوامل اجتماعی مختلفی مانند: سن، جنس، سطح تحصیلات، فرهنگ و مذهب مهم هستند و بطور نزدیکی با زبان در ارتباط هستند. تجزیه و تحلیل عواملی مانند فرهنگ و مذهب کار ساده‌ای نیست ولی تجزیه و تحلیل عوامل دیگر یعنی سن، جنس، شغل و سطح تحصیلات ساده‌تر است. در این تحقیق افراد متاهل به دو گروه تقسیم می‌شوند. آنهایی که همسر ترک زبان و آنهایی که همسر غیر ترک زبان دارند.

۶-۱ پیکره تحقیق

فصل اول: مقدمه: در این فصل مسائلی مانند جمعیت، بافت زبانی منطقه بحث می‌شود. در این تحقیق محقق به توضیح اهداف، فرضیه‌ها، اهمیت و گستره تحقیق می‌پردازد.

فصل دوم : مروری بر تحقیقات پیشین: در این فصل موضوعات مهمی مانند زبان، گویش، گونه، دو زبانگونگی، دوزبانگی، حوزه و تجزیه و تحلیل حوزه‌ای در آثار و تحقیقات پیشین مورد بررسی واقع می‌شوند.

فصل سوم : روش تحقیق : این فصل به بحث در مورد آزمودنی‌ها، جمع آوری داده‌ها، روش‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، پردازش داده‌ها، کد گذاری داده‌ها و روش‌های آماری می‌پردازد.

فصل چهارم : یافته‌ها و نتایج : این فصل به بیان یافته‌ها و نتایج تحقیق می‌پردازد. مقایسه کاربرد فارسی و ترکی در رابطه با شش حوزه اجتماعی : خانواده، دوستی، همسایگی، داد و ستد، آموزش و اداری بحث می‌شود. همچنین تاثیرات سن، سطح تحصیلات، جنس و زبان مادری همسر بر کاربرد زبان ارائه می‌شود. در این فصل جداول و نمودارهای مربوطه هم دیده می‌شوند.

فصل پنجم : این فصل شامل خلاصه، نتیجه گیری، کاربردهای نظری و عملی و همچنین چشم اندازهایی برای تحقیق بیشتر می‌شود. ضمیمه این فصل، پرسشنامه بکار رفته در این تحقیق است.

فصل دوم

چارچوب نظری و مروری بر تحقیقات پیشین :

۲-۰ مقدمه

این فصل شامل بخش‌های زیر است، بخش اول به بحث در باره‌ی زبان، گویش و گونه می‌پردازد. تعاریف، تفاوت‌ها، خصوصیت‌ها و روابط آنها ارائه می‌شود. بخش دوم شامل بحث در مورد دوزبانگونی، دوزبانگی و نتایج تحقیقات دوزبانگونی و دوربانگی در زبان فارسی است. بخش سوم به بحث در مورد حوزه و همچنین تحقیقات انجام شده در زمینه تجزیه و تحلیل حوزه‌ای در داخل و خارج کشور می‌پردازد.

۲-۱ زبان^۱، گویش^۲ و گونه^۳

زبان و گویش : اصطلاحات «زبان»، «لهجه^۴»، «گویش» و «گونه» در مباحث مختلف خصوصاً در بحث گوناگونی‌های زبانی، به طور گسترده‌ای بکار گرفته می‌شوند. در واقع، زبان‌شناسان در مورد این اصطلاحات توافق کامل ندارند و اصولاً تعریف جامعی که مورد پذیرش همه باشد، برای آنها ارائه نشده است. به همین جهت است که این اصطلاحات در منابع مختلف با محتوایی کم و بیش متفاوت بکار گرفته شده‌اند. (مدرسی، ۱۳۶۸، صفحه ۱۳۲)

در میان این اصطلاحات «گونه» مفهوم عام‌تری دارد. جنت هلمز^۵ (۱۹۹۲، صفحه ۹) می‌گوید: جامعه‌شناسان زبان از اصطلاح گونه (یا بعضی وقتها کد^۶) برای اشاره به هر نوع صورت‌های زبانی که با توجه به عوامل اجتماعی الگوبندی می‌شوند، استفاده می‌کنند. گونه، اصطلاحی در جامعه‌شناسی زبان است که به زبان در بافت اشاره می‌کند. گونه مجموعه‌ای از صورتهای زبانی است که در شرایط

۱- Language
۲- Dialect
۳- Variety
۴- Accent
۵- J. Holmes
۶- Code

اجتماعی، یعنی همراه با یک توزیع اجتماعی متمایز به کار برده می‌شود. بنابراین گونه، اصطلاحی کلی است که لهجه‌های گوناگون، سبک‌های زبانی مختلف، گویش‌های گوناگون و حتی زبانهای مختلفی را در بر می‌گیرد که به دلایل اجتماعی با هم در تقابل و تناقض هستند. گونه به عنوان یک اصطلاح سودمند زبانی به اثبات رسیده است زیرا از نظر زبانی اصطلاحی خنثی است و تمامی تظاهرات گوناگون مفهوم انتزاعی زبان را دریافت‌های اجتماعی گوناگون در بر می‌گیرد. هادسن^۱ (۱۹۸۰، صفحه ۲۴) گونه زبانی را به این صورت تعریف می‌کند. (مجموعه‌ای از بخشهای زبانی با توزیع مشابه) برخی از زبان شناسان نیز اصطلاح گونه را در مورد آن دسته از نظامهای زبانی بکار برده‌اند که دارای وجوه اشتراک بسیار و تفاوت‌های کمی هستند و امر تفهیم و تفاهم میان گویندگان آنها کاملاً و بدون مشکل عمده‌ای امکان پذیر است. از این دیدگاه فارسی دارای گونه‌های مختلف محلی (مانند تهرانی، اصفهانی، شیرازی، کرمانی و...) و نیز گونه‌های نوشتاری، گفتاری، رسمی و غیره است (مدرسی، ۱۳۶۸، صفحات ۱۳۲ و ۱۳۳) همچنین جی کی چمبرز^۲ و پیتر ترادگیل^۳ (۱۹۸۰، صفحه ۵) می‌گویند: گونه را به عنوان یک اصطلاح خنثی برای هر نوع زبان بخصوص برای بعضی مقاصد می‌توانیم به کار ببریم تا به عنوان یک هویت منفرد در نظر گرفته شود.

در مورد اصطلاحات «زبان»، «لهجه» و «گویش» مسئله جنبه پیچیده‌تری دارد و اختلاف نظرها بیشتر است. زبان شناسان دو اصطلاح گویش و لهجه را گاه در مفهومی واحد و گاه در مفاهیمی متفاوت به کار برده‌اند. در این بحث، اصطلاح گویش در مورد تفاوت‌های تلفظی آنها به کار گرفته شده است. به این ترتیب هر زبان ممکن است دارای گویش‌های مختلف و نیز لهجه‌های گوناگون باشند. (مدرسی، ۱۳۶۸، صفحه ۱۳۳)

گویش گونه‌ای از زبان است که می‌تواند نشانگر زمینه منطقه‌ای یا اجتماعی باشد. ترادگیل (صفحه ۲۲ ترجمه محمد طباطبایی، ۱۳۷۶) می‌گوید: لفظ گویش دقیقاً به تفاوت‌های لغوی، دستوری و نیز تلفظی بین دو زبان، گونه اطلاق می‌گردد.

۱- R. Hudson
۲- J.K. Chambers
۳- P. Trudgill

لفظ گویش را میتوان به همه زبان گونه‌های یک زبان اطلاق نمود و نه صرفاً به زبانگونه‌های نامعیار آن (توجه داشته باشید که بی آنکه بخواهیم خیلی صریح و دقیق باشیم لفظ زبانگونه را به عنوان لفظی خنثی برای هر گونه زبان مورد بحث به کار می‌بریم.

برای تشخیص زبان و گویش از یکدیگر به طور کلی از دو گروه معیارهای زبانی و غیر زبانی (سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و ...) استفاده می‌شود. اما اشکال کار در آنجاست که این معیارها نه مطلق هستند و نه بر یکدیگر منطبق و در برخی موارد حتی با یکدیگر در تضاد نیز قرار می‌گیرند. دو گونه زبانی معین ممکن است بر پایه معیارهای زبانی، گویش‌های یک زبان واحد بشمار آیند اما بر اساس معیارهای مثلاً سیاسی، زبانهای جداگانه‌ای محسوب می‌شوند. بنابراین جداسازی و تعریف این مفاهیم کاری است که اگر غیر ممکن نباشد دست کم بسیار دشوار است.

مهمترین و معمول‌ترین معیار زبان شناختی برای تشخیص زبان از گویش، معیار فهم‌پذیری متقابل یا قابلیت فهم متقابل^۱ است. مطابق این معیار اگر گویندگان دو گونه زبانی بدون هیچ گونه آموزش آگاهانه بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند می‌توان آن دو گونه را گویش‌های یک زبان واحد دانست. اما هر گاه تفهیم و تفاهم میان گویندگان آنها امکان پذیر نباشد، باید آنها را دو زبان جداگانه محسوب کرد. به طور کلی می‌توان گفت که هر گاه دو گونه بدون آموزش آگاهانه در حد ایجاد ارتباط معمول برای گویندگان یکدیگر قابل فهم باشند، آن دو گونه دو گویش متفاوت از یک زبان واحد محسوب می‌شوند و در غیر این صورت باید آنها را دو زبان جداگانه دانست. بر طبق این معیار ترکی یک زبان محسوب می‌شود زیرا بدون آموزش آگاهانه فهم آن برای سخن‌گویان فارسی زبان امکان‌پذیر نیست. یکی دیگر از معیارهایی که برای تشخیص زبان از گویش مطرح می‌شود بحث "اندازه"^۲ است. به این معنی که زبان بزرگتر از گویش است. یعنی گونه‌ای که زبان نامیده می‌شود نسبت به گونه‌ای که گویش نامیده می‌شود، قسمتهای بیشتری را شامل می‌شود. فارسی در

۱-Mutual intelligibility

۲- Size